

وزیر بهداشت:

اعتبار بخشی بیمارستان ها باید به رضایتمندی بیماران منجر شود.

(جراید)



به بیمارستان در تاشیخه
نوش آلمیر



کارتون: محمدعلی رجایی

اندر احوالات
استانداردهای ما

کمیک / صفحه ۸

خاطرات یک مسئول ارزی
از اقدامات مفیدش

گیر کتی / صفحه ۵

از چشم روشنی
تا چشم انتظاری!

میشه ایچور بره؟! / صفحه ۲



از چشم‌روشنی تا چشم‌انتظاری!

رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران: «از امروز طرح «چشم‌روشنی» به عنوان هدیه‌ای ویژه برای خانواده‌هایی که در سال ۱۴۰۵ نوزادی به دنیا آورده‌اند، رسماً اجرا می‌شود.»

کمی بعد: مسئول مربوطه طی یک کنفرانس خبری اعلام کرد به دلیل تخصیص نیافتن اعتبار و پیچیدگی‌های بودجه‌ای، طرح «چشم‌روشنی» با حفظ کاربری، به طرح «چشم‌به‌راهی» تغییر نام یافت! بنابراین خانواده‌های دارای فرزند نورسیده همچنان چشم‌به‌راه بمانند تا بلکه بودجه‌ای از غیب برسد. وی افزود: «البته نوزادان عزیز از همین الان یاد بگیرند که این تهدید را به یک فرصت طلایی تبدیل کنند؛ آن‌ها باید از همین بدو تولد و شیرخوارگی، تمرین جانانه صبر، شکیبایی و استقامت در برابر بحران‌ها را یاد بگیرند که بی‌شک در مراحل بعدی زندگی، از صف‌های طولانی نان و پمپ‌بنزین گرفته تا صف وام ازدواج، به کارشان خواهد آمد!»

کمی بعدتر: مسئول مربوطه در راستای حمایت از جوانی جمعیت اعلام کرد: «به عنوان هدیه، مصرف یک سال پوشک نوزادان تمام‌وکمال تأمین می‌شود!» به این صورت که «تیم زنده کارشناسان پایش پوشک» با حضور میدانی در محل، میزان مصرف دقیق یک سال نوزاد را تخمین می‌زند و درست به همان اندازه، پوشک سهمیه‌ای به نوزادان گوگولی (که طبق آمار احتمالاً مغولی هم هستند) تعلق می‌گیرد. این طرح شامل همه می‌شود؛ البته به یک شرط ساده و حیاتی: نوزاد مربوطه باید هر بار دست شویی داشت، وضعیت را شفاف‌سازی کند و طبق پروتکل بگوید «جیش یک» دارم یا «جیش دو»! وی در پاسخ به خبرنگار حیرت‌زده‌ای که گفت: «خب معلومه نوزادی که خودش بتونه کلامی اعلام وضعیت کنه، اصلاً پوشک لازم نداره و مصرفش صفره!» پاسخ داد: «از رسانه‌ها تقاضا داریم در مسائل کاملاً تخصصی، پیچیده و کارشناسی دخالت نکنند!»

کمی بعدترتر: معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری هم وارد گود شد و اعلام کرد به هر نوزاد یک دستگاه کالسکه تعلق می‌گیرد. مسئول مربوطه در پاسخ به پرسش بی‌مورد یک خبرنگار مبنی بر اینکه «این کالسکه‌ها دقیقاً چه زمانی تحویل داده می‌شوند؟» لبخندی ملیح زد و گفت: «دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد! طبق برنامه زمان‌بندی، ممکن است کالسکه بیست، سی، چهل سال دیگر تحویل داده شود که اتفاقاً اصلاً جای نگرانی نیست و کاملاً کاربردی است. زیرا آن نوزاد تا آن زمان برای خودش، بزم به تخته، مردی یا خانمی شده، ازدواج کرده است و خودش نوزادی دارد که بگذارد داخل کالسکه و هل بدهد! درواقع اگر عمیق‌تر به قضیه نگاه کنید، ما داریم به نسل بعدی هم خدمات می‌دهیم!»

و کمی بعدترترتر: شهرداری اعلام کرد: «آن دسته از نوزادانی که در طرح کالسکه ثبت‌نام کرده‌اند اما تاکنون که به سن هشتادسالگی رسیده‌اند موفق به دریافت آن نشده‌اند، اصلاً نگران نباشند! کالسکه مذکور با کمی تغییرات ساختاری و نصب دو عدد دستگیره کمکی، به عنوان «واکر» به نشانی ایشان ارسال خواهد شد. ما تا لحظه آخر عمرتان کنار شما هستیم!»

قانون پایستگی پول!

- سلام مکتشف!
- سلام دانشمند!
- چه کار می‌کنی مکتشف؟!
- دارم کشف می‌کنم دانشمند!
- چی کشف می‌کنی مکتشف؟!
- قانون پایستگی پول رو دانشمند!
- اسمش آشناست: مطمئنی قبلاً کشفش نکردن مکتشف؟!
- نه دانشمند! تشابه اسمیه! عنصر اصلی‌ش تازه به فرمول اضافه شد!
- حالا قانونت چی می‌گه مکتشف؟!
- چیزی نمی‌گه دانشمند! ساکنه! مأخوذ به حیاست!
- منظورم اینه چه نتیجه‌ای ازش حاصل شده مکتشف؟!
- با اضافه شدن عنصر نتایج کنکور امسال به فرمول این اکتشاف، مشخص شد که براساس قانون پایستگی پول، شما اگر پول دار باشی، پول در خانواده‌ت از بین نمی‌ره، بلکه از خودت به بچه‌ها و از اونا به بچه‌هاشون و... منتقل می‌شه!
- من با آموزش مجازی دانشمند شدم مکتشف! گیراییم پاییننه! جوری توضیح بده که من هم بفهمم!
- ببین دانشمند! تو اگه پول دار باشی و پول خرج کنی و بچه‌ت مدرسه غیرانتفاعی و نمونه دولتی و هیئت امنایی و استعداد درخشان و این جور جاها بره، احتمال قبولی‌ش با رتبه‌های بالا در کنکور و تحصیل در رشته‌های تاپ دانشگاه‌های معتبر خیلی زیاد می‌شه و بعدش به مشاغل خوب و پردرآمد می‌رسه و پول دار می‌شه و این چرخه تا ابد در خانواده‌ت تکرار خواهد شد!
- اگه پول دار نباشیم چی می‌شه مکتشف؟!
- پول دار نباشی، پول خرج نمی‌کنی، بچه‌ت مدرسه دولتی می‌ره، احتمال قبولی‌ش با رتبه‌های بالا در کنکور به صفر می‌رسه، دانشگاه‌های درپیت تحصیل می‌کنه و آخرش یک چیزی مثل خودت بی پول از آب درمی‌آد!
- پس اونایی که باباشون پول دار نیست و مدرسه دولتی می‌رن و دانشگاه هم قبول نمی‌شن و بعد هم رئیس و مدیر می‌شن و به اون باسوادا دستور می‌دن چی؟!
- خب هرکشفی برخی استثنائات هم داره دانشمند!



کُخ تو رُخ



امضای تفاهم‌نامه بازسازی مراکز دانشگاهی با حضور وزیر اقتصاد



اگه می‌خواین از قیمت دلار ازم پیرسین، از همین راهی که اومدم برمی‌گردما! برین از همتی پیرسین!

بیا نمی‌پرسن! اصلاً خودم همتی رو می‌آرم. اوکی؟

خداییش من نوآموزم. اینا که دکترن سواد ندارن ما اینجا خسته می‌شیم؟ هیچی هم که دیده نمی‌شه!

نگران نباش. چندروز دیگه ناترازی انرژی و آلودگی هوا و شیوع آنفلوآنزا می‌شه. دوباره مجازی می‌شیم.

افتتاح نمایشگاه صنایع غذایی و شیرینی و شکلات در مشهد



جمع‌تر واستین دوسه نفر دیگه هم هنوز جا داره بیان قیچی بزنین.

چی چی رو جا داره مرد حسایی؟ نمایشگاه خیاطی هفته بعد برگزار می‌شه. همه قیچی‌ها رو لازم داریم.

چون فکر کردین شکلات مجانی می‌دن همه اومدین؟

انتشار عکسی از ترامپ با پنگون‌های گرینلند و تکرار ادعای تصاحب این جزیره



یادم باشه خشک تو رو هم به نام آمریکا ثبت ملی کنم

اینکه دیگه حتی بز هم می‌دونه که پنگونا تو قطب جنوبین نه شمال و تو نمی‌دونی به کنار، من موندم چطور ممکنه من خشک‌تنگ با تو خشک به سر رد پای مشابهی داشته باشیم؟

ناوگانی از پنگوئن‌ها راهی قطب شمال شدند!

«نخ دادن به ارواح خبیثه» تعبیه شده! احتمالا از این به بعد هم «پلخمون» به عنوان پدافند نقطه زن بومی، وظیفه رهگیری و انهدام این تهدیدات هو فضایی را بر عهده خواهد داشت.

غافل‌گیرکننده‌ترین افزایش هفته: افزایش مبلغ کالا برگ دهک‌های پایین که قرار بود این ماه اعمال شود، باز هم به مقصد نرسید و واریز نشد. شاید بعضی منتقدان بی‌انصاف بگویند چرا رئیس‌جمهور و وزیران پای وعده‌شان نماندند؟ اما این دوستان فقط نیمه‌خالی لیوان را می‌بینند! وگرنه در این کشور خیلی افزایش‌ها هم هست که مسئولان اصلا قبلیش وعده نمی‌دهند و زحمت مصاحبه به خودشان نمی‌دهند، ولی یک شبه رخ می‌دهد؛ نمونه‌اش همین قبض‌های برق این دوره که همگی دیدیم بدون هیچ وعده‌ای، چقدر پر قدرت و جهشی ظاهر شدند!

محرمانه‌ترین مسائل هفته: رئیس سازمان ملی استاندارد فرموده‌اند: «کیفیت بنزین محرمانه است!» این مسئولان ما یک جوری رفتار می‌کنند انگار فقط خودشان اسرار محرمانه دارند. اتفاقا ما مردم عادی هم اسرار محرمانه زیادی داریم! مثلا ماهی ۲۰ میلیون درآمد داریم، اما به شما نمی‌گوییم با همین چندرغاز چطور هم اجاره خانه می‌دهیم، هم سه وعده غذا می‌خوریم، هم پول دوا و درمان می‌دهیم، هم لباس می‌خریم و هم خرج مدرسه و سرویس بچه‌ها را می‌دهیم و هم تا آخر ماه دوام می‌آوریم! حالا دیدید فقط خودتان نیستید که اسرار محرمانه دارید؟!

خطرناک‌ترین نخ دادن هفته: حکومت طالبان طی اطلاعیه‌ای، هرات را از خطر «پرنده‌های بی‌سرنشین» نجات داد. به زبان ساده‌تر، طالبان بادبادک بازی در هرات را ممنوع کرد! ظاهرا از نظر اتاق فکر طالبان، نگران‌کننده‌ترین بخش ماجرا همان «نخ» بادبادک است که مستقیم جهت

جنوبی‌ترین قطب شمال هفته: دونالد ترامپ تصویری از خود کنار پنگوئن‌ها در جزیره گرینلند منتشر کرده است؛ در حالی که پنگوئن‌ها همه‌شان ساکن قطب جنوب هستند و گرینلند قطب شمال اصلا پنگوئن ندارد! ترامپ تصور کرده است هرجا یخ و برف هست، حتما چند پنگوئن هم آن‌گوشه و کنارها برای خودشان مشغول قدم زدن هستند؛ درست مثل کسانی که فکر می‌کنند داخل هر فریزر، حتما چند بسته گوشت یخ زده پیدا می‌شود! البته از حق نگذریم، ترامپ سابقه طولانی در بازار املاک دارد و یک املاکی کاربلد هرگز ضعف‌های ملک را جار نمی‌زند، بلکه یک مزیت منحصر به فرد من درآوردی هم روی آن می‌گذارد! ترامپ هم خصلت املاکی خودش را حفظ کرده است. او اسم خرس‌های قطبی را که ساکنان واقعی گرینلند هستند، نیاورده و به جایش چند پنگوئن اضافه کرده است. در واقع با این کار پیام داده است: «ملکی کاملاً دنج، آرام و امن، با همسایگانی فوق‌العاده با فرهنگ!»



امیرحسین پنجه‌باشی

سُرسُر

در حاشیه دستور رئیس‌جمهور برای تشکیل کمیته تثبیت قیمت کالاهای مشمول کالا برگ

مخبر الشعرا

لته

مرثیه‌ای برای ریال (صمدت)

قدری شده دیر، پس محبت نکنید
در مجلس ختم او طبابت نکنید
صحبت ز ریال بعد از این جایز نیست
پشت سر مرده هیچ صحبت نکنید!

ملنی زاده، وزیر اقتصاد: سؤال درباره قیمت دلار، از اتاق همتی پیرسید (ایستنا)

به من چه این تورم؟ این کساد؟
به بازار این همه بی‌اعتمادی؟
وزیر اقتصاد منده، اما
نپرس از من سؤال اقتصادی

کوچک زاده، نماینده مجلس: به خدا اگر از جهنم نمی‌ترسیم، خودم را جلو بانک مرکزی آتش می‌زنم! (همشهری)

همه از زندگی هر چند سیریم
و می‌ترسیم از اینکه خود بمیریم
ولی هستیم حاضر تا که با هم
گناهت را به جان گردن بگیریم!

جواد خیابانی پس از ۳۶ سال فعالیت و نیز بازنشستگی، به سیما بازگشت (ایرنا)

برگشته جواد ما به میدان
باشوق و انرژی فراوان
ماندم آنجا صدا و سیماست
یا اینکه سرای سالمدان؟



کمیته ویژه ثبات

خب رفقا، این گروه روزم که دیگه با کارشناسی تکلیف بازار رو بکسره کنیم، باید به یک «ثبات ایده آل» برسیم. ایده هاتون رو روکنین.

قربان، باتیم «ایرکارشناسی» که داریم، ثبات که چیزی نیست، قراره بازار رو میخ‌کوب کنیم.

آره بابا، وضعیت جوری که دیگه ثبات ساعت از ثبات قیمت‌ها بیشتر شده و قیمت‌ها لحظه‌ای داره جابه‌جایی می‌شه.

قربان، بنده دستور دادم قیمت کالاها رو سایت هابه روز نشه که دست‌کم دیگه اونجا قیمت‌ها ثابت بشه.

من دستور دادم مینا و واحد اندازه‌گیری رو کم کنن. مثلا امروز که یک کیلو گوشت ۲ میلیون، فردا همین قیمت می‌مونه، فقط به جای یک کیلو، نیم کیلو می‌دیم.

ولی به نظر من رئیس، بهتره قیمت کالاها رو دونه‌ری کنیم. یک قیمت ثابت برای هر محصول بذاریم و یک هزینه خدمات متغیر این جوری می‌تونیم بگییم قیمت‌ها ثابت.

از همین ایده‌های شما می‌ترسیم که همش می‌گم کارشناسا باید نظر بدن، راهکاری که وضعیت گل و بلبل بشه، ندارین؟

قربان، من نظرات انیشتین رو خوندم؛ به جورایی انگار سرعت ماکافی نبوده. این طور بگم که اگر قیمت‌ها رو با سرعت نور بالا ببریم، می‌تونیم از ماتریکس خارج بشیم و توی بُعد بعدی قیمت‌ها رو ثابت نگه داریم.

انیشتین به گروه پیوست

به جان بچه‌ها ما که همچین چیزی گفته باشیم، چون ما ولیم کنین. سر امتحان فیزیک به اندازه کافی فحش می‌خورم. دیگه اقتصاد نامردیه.

من از هوش مصنوعی کمک گرفتم، یعنی اشتباه گفته؟

هوش مصنوعی به گروه پیوست

به جان خودم توفیق گفتی می‌خواهی علمی توجیه کنی، من هم فقط همین به ذهنم رسید.

راستی کاظمی جان، برای تعطیل کردن مدارس هم که خواستی، پونزده تارا هکار برات فرستادم.

وزیر آموزش و پرورش هوش مصنوعی را از گروه بیرون کرد

خب، تا این هوش مصنوعی نیومده آبروی بقیه برنامه‌های توسعه مون رو ببره، بریم به قهوه بخوریم، بعد بیایم قیمت خودرو رو هم ثابت کنیم.

خاطرات یک مسئول ارزی از اقدامات مفیدش

گپک (۱)

بر اساس برنامه ارزی جدید بانک مرکزی، فروش ارز به متقاضیان در بانک های منتخب آغاز شد. در این طرح، هم وطنان بیش از هجده سال می توانند با ارائه کارت ملی تا سقف ۱۰ هزار دلار خرید کنند. گذشته از اینکه بیشتر کارشناسان می گویند این مدل ارزیابی مشکلات دولت را بیشتر می کند، همین که خود دولت دلار را با قیمت گزاف می فروشد هم یک مسئله دیگر است. به اضافه اینکه وقتی خبرنگاران از وزیر اقتصاد درباره بالارفتن قیمت دلار پرسیدند، ایشان همه را به رئیس بانک مرکزی حواله داد و او هم از زیر بار پاسخ دادن در رفت. برای همین بد نیست روزنوشت های یک مسئول ارزی را بخوانیم تا بفهمیم پشت پرده این قیمت ارز چه می گذرد و مسئولان عزیز و خدوم چه تدابیری برای این امر اندیشیده اند.

اقدام ضربتی حذف ۱۰ صفر از پول

مهار قیمت ارز از دست همه خارج شده است. واقعا نمی دانیم چه کار باید بکنیم تا اقلا یک روز زیاد نشود. اگر هم زیاد می شود، دست کم تصاعدی زیاد نشود. جلسه اضطراری تشکیل دادیم و بعد از ساعت ها هم فکری، به این نتیجه رسیدیم که اعلام کنیم سایت ها و کانال های خبری حق ندارند قیمت دلار و تتر را اعلام کنند. ممکن است تأثیری در گران شدن دلار نداشته باشد، ولی دست کم مردم قیمت ها را نمی بینند و حرص نمی خورند و به جان ما بیشتر دعا می کنند. اگر این کار جواب نداد، باز مجبوریم در یک عملیات ضربتی سلاطین دلار و یورو و تتر و پوند و طلا و سکه را دستگیر کنیم. شاید این طوری خود ارز و طلا و سکه بترسند و چند ساعتی گران نشوند. اگر این ترفند هم کارگر نیفتاد، شاید تصمیم بگیریم اسم ارزها را عوض کنیم و مثلا به دلار بگوییم «اسمشونبر»، یا اصلا خرید و فروش دلار را ممنوع اعلام کنیم و خلاص.

کی بود؟ کی بود؟ من نبودم!

امروز نشست خبری برای افزایش بی رویه قیمت ارز بود؛ گرچه معتقدم افزایش قیمت بی رویه نیست و خیلی هم رویه دارد. من هم با چهره مبذل در این نشست شرکت کردم. نه به دلیل اینکه از رودررو شدن با مردم و خبرنگاران می ترسم، هرگز؛ به دلیل اینکه به طور نامحسوس عملکرد سایر مسئولان ارزی و واکنش ایشان برابر اصحاب رسانه را زیر نظر بگیرم. تجربه خوبی بود. کسی کاری به کارم نداشت و لازم نبود به شخصی جواب پس بدهم. ولی از یک طرف بد هم بود، چون دیگر خبری از احترام گذاشتن ها و ردیف اول نشست ها و ناهار را در وی آی پی خوردن ها نبود. به هر حال هرکاری سختی های خودش را دارد. نکته جالب نشست این بود که وقتی خبرنگاران از آقای رئیس پرسیدند چرا دلار گران شده است؟ گفت بروید از آقای معاون بپرسید. خبرنگارها به سمت آقای معاون هجوم بردند و همین سؤال را کردند. ایشان هم گفت بروید از آقای رئیس بپرسید. این بار تا خبرنگارها سراغ آقای رئیس رفتند، ایشان سوار ماشین شده بود و رفته. ترفند خوبی است.

دلار ورده، دلار زور ورده!

از بالا گفتند اعلام کنیم خود دولت به هرکارت ملی ۱۰ هزار دلار می دهد تا بازار ارز کنترل شود. راهکار خیلی خوبی است که فقط به فکر مسئولان رده بالای ما می رسد. آن ها بیخود رئیس نشده اند. برای همین راه حل هایی است که می دهند، اینکه از کجا دلار بیاوریم و مشکلات دیگرش هم مهم نیست. مهم این است که هم مردم خوش حال می شوند، هم مسئولان، به دلیل پولی که به دست می آورند. این وسط قیمت دلار هم همین حدودها تثبیت می شود که چه بهتر. حالا اگر دلار هم کم آوردیم، چند ساعتی قیمت را پایین می آوریم تا مردم بفروشند. از خودشان می خریم و فردا دوباره با قیمت بهتری به خودشان می فروشیم. واقعا که چه مسئولان اقتصاددان گلی داریم. حیف، کسی قدرمان را نمی داند.



فرهنگ شهروندی

فرزانه زینلی

گزارش طبقه بندی شده شماره ۹۰-زتا

عملیات شکنجه
چهار گزینه ای

دارند بفروشد تا فرزندشان را به چنگ برخی شیادان با عنوان اساتید پروازی و مشاوران رتبه برتر ببندازند. طبق اسناد مالی که هک کردیم، مبالغی رد و بدل می شود که با آن می شد نیمی از کهکشان آندرومدا را سند زد. همچنین ما پدیده ای به نام «یکج طلایی پیش بینی سؤالات با تضمین صد درصد» کشف کرده ایم؛ جزوه هایی فتوکپی شده با قیمتی معادل یک کلیه انسان که در آن ادعا شده است اگر دانش آموز روزی هجده ساعت به تست های فیزیک زل بزند و روش تست زنی با یک نگاه و بدون خواندن سؤال را یاد بگیرد، مستقیم وارد کاخ آرزوهای پزشکی می شود. جوانان بخت برگشته چنان در میان کوهی از کتاب های تستی با قطر سی سانتی متر دفن

از تیم تحقیقاتی زمین به: گوگولی ترین فرمانده سیاره زتا در کهکشان راه شیری طبق تازه ترین مشاهدات ما، گونه دو پای این سیاره فرزندان جوان خود را وارد یک مناسک آیینی خونی و دسته جمعی به نام «کنکور» می کنند. طبق محاسبات رایانه مرکزی سفینه، هدف از این آیین، به ظاهر سنجش هوش است، اما در واقعیت یک بازی روانی بی رحمانه برای ورشکست کردن خانواده ها و نابودی سلول های خاکستری مغز قبل از سن بیست سالگی است! حال آنکه خیلی از داوطلبان خود خواسته وارد این مرحله می شوند. ماجرا از این قرار است که والدین در زمین حاضرند هر چه



هسته هسته رو نمی دونم. ولی بابام گفته عوضش این انرژی پاک مصرف می کنه و ناترازی رو کاهش می ده.

مال تو پیردازنده ش چند هسته ای؟ کند باشه از املا عقب می افتی!

بررسی موضوع علم بهتر است یا ثروت در دوره رانندگی

تیرک (۲)

عبید ماکارانی

نتیجه رتبه های کنکور آمد و مانند هر سال، تعداد زیادی از خانواده های ایرانی درگیر چالش شدند. برخی والدین با جمله «آفرین به پسر / دخترم» و عده بیشتری با جمله «حیف نونی که...» به استقبال فرزندان کنکوری خود رفتند. گروهی هم تازه متوجه شده اند که بچه شان کنکور داشته است و برخی هم اصلاً متوجه نشده اند! به هر حال کنکور هم شتری است که در خانه هر ایرانی خوابیده و می خوابد و تا وقتی مافیای کنکور هست، خواهد خوابید. ولی نتایج امسال نکات مهمی در برداشت. اول اینکه استان های خراسان برخلاف سال های گذشته، در رتبه های برتر کنکور هیچ سهمی نداشتند که خجالت آور است و نشان می دهد وقتی در منطقه ات جنگ نباشد، درس نمی خوانی! از آن مهم تر، اینکه با بررسی شغل پدر و مادر رتبه های برتر رشته ها، به نظر می رسد که پول تأثیر مهمی در قبولی بچه ها داشته است. اوضاع طوری شده است که سهم مدارس دولتی در رشته های برتر کنکور و دانشگاه های مطرح دولتی اندک است. ولی آن هایی که در مدارس پولی درس خوانده اند، به صندلی های دانشگاه های دولتی می رسند و عدالت آموزشی را به سخره می گیرند. برای بررسی این موضوع، با چند کنکوری صحبت کردیم.

«حیف نونی که...» به استقبال فرزندان کنکوری خود رفتند. گروهی هم تازه متوجه شده اند که بچه شان کنکور داشته است و برخی هم اصلاً متوجه نشده اند! به هر حال کنکور هم شتری است که در خانه هر ایرانی خوابیده و می خوابد و تا وقتی مافیای کنکور هست، خواهد خوابید. ولی نتایج امسال نکات مهمی در برداشت. اول اینکه استان های خراسان برخلاف سال های گذشته، در رتبه های برتر کنکور هیچ سهمی نداشتند که خجالت آور است و نشان می دهد وقتی در منطقه ات جنگ نباشد، درس نمی خوانی! از آن مهم تر، اینکه با بررسی شغل پدر و مادر رتبه های برتر رشته ها، به نظر می رسد که پول تأثیر مهمی در قبولی بچه ها داشته است. اوضاع طوری شده است که سهم مدارس دولتی در رشته های برتر کنکور و دانشگاه های مطرح دولتی اندک است. ولی آن هایی که در مدارس پولی درس خوانده اند، به صندلی های دانشگاه های دولتی می رسند و عدالت آموزشی را به سخره می گیرند. برای بررسی این موضوع، با چند کنکوری صحبت کردیم.

دختر، رتبه دوم رقی

وضع مالی پدر و مادر من خیلی خوب نیست. ولی بابام و عموم یه تیکه زمین کشاورزی داشتن که بابام سهم خودش رو به عموم فروخت تا من توی مدرسه غیردولتی درس بخونم. الان عذاب وجدان دارم که بابام سرمایه همه عمرش رو فروخته، ولی سعی می کنم برم دانشگاه دولتی تا دیگه لازم نباشه بابام برای شهریه دانشگاه کلیه و قرنیه ش رو بفروشه.

دختر، رتبه سه رقی

راستش من خیلی درس خونده بودم، ولی چون هم زمان باید کار هم می کردم و از برادر کوچیکم توی خونه نگهداری می کردم، به اون نتیجه ای که می خواستم نرسیدم؛ چون مامان و بابام هردو کارمندن و از کله سحر تا نصف شب چند شیفت کار می کنن. مدرسه دولتی می رم و کلاس کنکور هم نتونستم برم، ولی از توی دیوار چندتا کتاب کنکور دست دوم خریده بودم که متأسفانه صفحه های پاسخنامه شون پاره شده بودن و نفهمیدم تست رو درست زدم یا نه.

پسر، رتبه دوم رقی

مامان و بابای من هردو مهندسای موفق هستند. من هم خیلی دوست داشتم که مهندس بشم تاویلا و برج و مرکز خرید بسازم. برای همین توی کلاسای کنکور «مهندس سازان برتر شرق و غرب» ثبت نام کردم. خیلی از این مؤسسه متشکر که سوالاتی پرتکرار کنکورای هفتاد سال گذشته رو برامون جمع کرده بود و اونا رو از طریق واکسن به ما تزریق کرد تا بتونیم موفق بشیم.

پسر، مرور علمی

آقا من نمی خوام درس بخونم، مگه زوره؟ همه که نباید دکتر و مهندس بشن. مملکت به کاسب و تاجر و بازرگان هم نیاز داره. می خوام برم وردست بابام و بابابزرگم توی بازار، پول پارو کنم. سوالتون هم غلطه. علم بهتر از ثروته، به شرطی که پول داشته باشی. وگرنه یک دانشمند فقیر که پول نداره برای خودش میکروسکوپ و کامپیوتر بخره، بیشتر به درد جامعه می خوره یا بی سواد پول داری که برای اون دانشمند چیزمیز می خره؟

دختر، رتبه چهار رقی

من امسال نتونستم درست درس بخونم. از یک طرف شهرمون جنگ بود و استرس داشتیم و از یک طرف اینترنت قطع بود و به منابع درسی دسترسی نداشتیم. تا جنگ تموم شد هم برق قطع شدن که نمی دیدم چی دارم می خونم. برق که وصل شد هم این ویروس جدید اومد و خونه نشین شدم. حالا بابام قول داده یک شیفت اضافه تر کار کنه تا بتونه سال بعد توی کلاس کنکورای معروف اسمم رو بنویسه.

پسر، رتبه نهم رقی

راستش من رتبه م یادم نیست. یعنی هرچی سه رقم سه رقم جداش کردم، باز هم نتونستم بخونمش. به هر حال من مدرسه غیردولتی می رفتم، ولی علاقه ای به درس نداشتیم. کسی هم ازم انتظاری نداشت. ولی بابام گفته که اسمم رو توی بهترین دانشگاه های پولی می نویسه تا من هم بتونم مثل خودش دکتر بشم و با ساخت مجتمع های پزشکی توی شهرمون و اجاره دادن واحداش به پزشکای عزیز، توی صنعت درمان کشورم دخیل باشم.

مداد مشکی نرم پرنرنگ بستگی دارد. اگر دایره را درست سیاه نکنند، تا پایان عمر به عنوان انگل خانواده شناخته می شوند. برای کشف این راز پیچیده، من هم از محل بودجه تحقیقاتی سفینه، برای خودم یک پکیج «مشاوره انگیزشی بیست و چهار ساعته وی آی پی» با یک جوان بیست ساله خریدم که در ویس ها با فریاد به من می گفت: «تو بمب انرژی ای شیر زخمی؛ با پزشک می شی یا می میری!» من هم ترسیدم و با عرض شرمندگی تمام، کل بودجه راه باد دادم. فعلاً در حال مخفی شدن در زیرزمین هستم؛ چون هر لحظه ممکن است کسانی از خویشان و اطرافیان تماس بگیرند تا رتبه کنکورم را بپرسند. تماس، فرت.

عدد پنج رقی، جملات تسلی بخش اما زهر آگینی شلیک می شود؛ جملاتی مثل: «اشکال نداره فدات شم، مهم سلامتیته... البته پسر خاله ت با اینکه اصرار درس نمی خوند، شد هفتاد و سه، ولی خب درس خوندن که همه چیز نیست!» گزارش ها حاکی از آن است که میزان تولید سم در این نیش و کنایه های فامیلی، از زهر مار زنگی سیاره زتا هم کشنده تر است. دیده شده کار به آنجا رسیده است که جوان مذکور، بنر رتبه کنکورش را در ب خانه زده است تا دست کم سوالات تکراری نشنود. نکته گیج کننده این است که کل سرنوشت اجتماعی، شأن خانوادگی و حتی احتمال ازدواج این موجودات به پر کردن صحیح دایره های سیاه روی یک برگه با

می شوند که پوست صورتشان رنگ گچ دیوار می گیرد و مکالماتشان به واژه های نامفهومی مثل تراز، سهمیه و منفی زدن زیست محدود می شود. اما بخش به شدت کم ددی و سادیستیک ماجرا زمانی آغاز می شود که سیگنالی موسوم به نتایج نهایی روی شبکه زمین ظاهر می شود. در این لحظه، بستگان و خویشاوندانی که در طول هجده سال گذشته حتی وجود این جوان را به یاد نمی آوردند، به بازجوهای حرفه ای سازمان ضد جاسوسی تبدیل می شوند! طبق رصدهای ما، تلفن ها ثانیه ای یک بار به صدا در می آیند و مکالمه همواره با این فرمول جلو می رود: «سلام عزیزم، مبارک باشه، راستی رتبه ت چند شد؟» و به محض شنیدن یک

دشمن فکر کرده است

فرمانده ارتش:

در حالی که گفت هم نمی دهیم

در صورت خطای مجدد دشمن، پاسخ کوبیده می دهیم

در مراسم ختمش

رویترز:

پالایشگاه های مستقل

چین با کاهش چون

عرضه نداشتند نفت ایران

رابرند، خرید نفت از

عراق و قطر را

افزایش دادند

رئیس سازمان امور مالیاتی:

بدرم درآمد های

ولی عوض مالیاتی

که می گیریم ۵۶ درصد

رشد کرد

رئیس ثبت احوال:

تا پایان پاییز کارت ملی همه کسانی که

سازمان ثبت احوال را از باشه در آورده اند

در خواست مالیاتی داده اند به دستشان می رسد

یک عضو هیئت رئیسه مجلس:

طرح استیضاح وزیر امور خارجه در سامانه ثبت شده،

چون ممکن است از این به بعد چون تالان من را با خودش خارج نمی برد

ولی هنوز به هیئت رئیسه ارجاع نشده است

رئیس سازمان وظیفه:

استخدام سرباز ی که موهایش آن قدر بلند است که بدون یلگودی

فرار از خورده ممنوع است

همتی:

نرخ فعلی دلار

به معنای این است که

بدون مواد شوینده هم بلدی کاری کنیم

کف سازی دلار بازار

اکتبر ستر بنید

میدری:

کیف پول باز نشستگان

همان روز اول هر

آنها از مهر ماه

خالی می شود و مشکلی نیست نمی آید اگر

راه دور اندازی می شود

انداخته

آگهی دیوار

سین ترش - اکبر کلثومی

آموزشگاه کنکور

۳ روز پیش

آیا از سهم ۶۶.۶۶ درصدی دانش آموزان سمپادی در کسب رتبه های برتر کنکور امسال رنج می برید؟ ما دانش آموزان کم باد و بی باد شما را پر باد و راهی سمپاد می کنیم!

(باند مافیایی سنیاد و شرکا)

معاوضه

۹ روز پیش

دو عدد کلیه سالم کم کار، در حد آک، گروه خونی +0 معاوضه با آیفون ۱۸ پرومکس رجیستر شده و یک دستگاه دیالیز!

(میترا جون)

فروش آینه!

۵ روز پیش

یک آینه به خاطر اینکه عیب مرا بنمود راست و من به جای اینکه خودم را بشکستم، آینه را شکستم. البته بیشتر هدفم این بود که خبرنگارا انتقاد نکن. همه قسمتهای شکسته ش، به جز یک قسمت که معلوم نیست زیر کدام میل رفته، موجوده. ازش کم استفاده کردم و فقط خودم رو توش دیدم.

نشانی: بانک مرکزی، دفتر رئیس بانک مرکزی!

آب میوه فروشی

۸ روز پیش

انواع آب میوه، بستنی، معجون موجود است. آب پرتقال نداریم!

(آب میوه فروشی کریس فن)

دفتر املاک

۲ روز پیش

یک واحد سوئیت شیک و مبله با کلیه لوازم لوکس، بزرگ و دل باز با دسترسی به تلفن و موبایل و اینترنت و ویو ابدي در بهترین نقطه زندان. آماده واگذاری به نمایندگان محکوم!

(دفتر املاک ب. ز)

نیازمندیم

۳ روز پیش

به شش اکپ کشنده شیش شیش کش شش پا در شش کلاس شش مدرسه مناطق شش گانه کمتر از شش ساعت نیازمندیم!

(واحد شیش کشی آموزش و پرورش)

تاسوس

فرود اضطراری هواپیمای سافاری در تانزانیا

پس از برخورد با یک گورخر؛

هر ۲۶ مسافر و خدمه به سلامت پیاده شدند. (ایسنا)

گورخر



فرشته شاهان

اولا گورخر خودتی وهفت جدو آبادت. کوری؟ نمی بینی جیگرم جیگرم جیگرم، لباس هواداری بیونتوس تنمه؟ در ثانی، جرئت داشتی، وامیستادی افسر بیاد کروکی بکشه ببینیم کی مقصره، نه اینکه هم فرار کنی، هم تمارض. خودت رو به فرود اضطراری زدی که چی؟ گل بگیرن اون حقوق حیوانات رو که توی این روز جهانی حیواناتی (چهارم اکتبر) حتی توی تیتتر خبر نمی گن سرنوشت اون به اصطلاح گورخر مادر مرده چی شد!

وزیر جهاد کشاورزی: عه؟!؟

گورخر! چرا به ذهن خودم

نرسیده بود! جسارتا

میشه یه لحظه کف پاتون

رو بدین بالا؟ تک شمین یا

زوج شم؟ بعد احیانا گوشتتون که

دیگه راه راه نیست تابلو باشه، نه؟

یعنی کنار مثلا گوشت بوفالو بذاری

پشت ویتربن قصابی خیلی تو ذوق

نمی زنه؟ ممنون می شم توی حیات

وحش تانزانیا اگه چهارپا، دوبا، سه پا

یا هرچند تا پای دیگه ای موجوده یه

تک به من بزنین. قربونتون.



بمب افکن B-1
آمریکایی

اتفاقا قرار بود روی سر ما هم توی فیرفورد پهپاد مهپاد بریزن این ایرانیای خیرندیده. ما هم ششستمون خبردار شد، زدیم به چاک! خدا از شون نگذره. آخه ما بمب افکنای به این نایسی با این بمبای گوگولی مگولی چی کار به شماها داریم اون سر دنیا؟ بد زمنه ای شده رفقا، بد زمنه ای.



پرواز ۱۰۷۲
فلای دیبی

گورخر! چرا به ذهن خودم نرسیده بود! جسارتا میشه یه لحظه کف پاتون رو بدین بالا؟ تک شمین یا زوج شم؟ بعد احیانا گوشتتون که دیگه راه راه نیست تابلو باشه، نه؟ یعنی کنار مثلا گوشت بوفالو بذاری پشت ویتربن قصابی خیلی تو ذوق نمی زنه؟ ممنون می شم توی حیات وحش تانزانیا اگه چهارپا، دوبا، سه پا یا هرچند تا پای دیگه ای موجوده یه تک به من بزنین. قربونتون.



کارم درستته!

زمان رو به عقب برگردون تا ما به شیوه دیگه‌ای بعد از مشاوره با وکلای خصوصی، از خجالت آقایون به صورت عمومی دربیایم، یا این حبس لعنتی تموم شه، برگردم برای خدمت تا بیش از این کیفیتش پایین نیاد! «گفتم: نه‌هههه! تو هنوز فکر می‌کنی کارت درست بوده؟! «گفت: «من همه جا کارم درستته! توی همین زندون می‌دونی زدم توی کار تعبیر خواب؟! فقط بدی‌ش اینه که هیچ‌کس اینجا خواب نمی‌بینه! اونایی هم که خواب می‌بینن، تردیدن! می‌خوان ببینن چی می‌کشه بالا، چی می‌کشه پایین! بابک زنجانی هم رفته و نیست که دست به کمکم باشه و یه خوابی برای بقیه ببینه! «گفتم: «خب، حالا گیرم زمان رو برده عقب یا جلو. می‌خوای چی کار کنی؟ «گفت: «بره جلو که حتما روی صندلی آقایون می‌شینم و به جای اونا عزیز می‌شم و مضر روی مصوبات مردمی که اینجا در خلوت خودم بهش رسیدم! اونجاست که بگم به آقایون، «یوسف گم‌گشته باز آید به صحن، غم بخور!» اگه هم بره عقب که باز صندلی رواز زیر آقایون می‌کشم و نمی‌دارم این جور محل خدمت از دستمون خارج بشه! «گفتم: «پس باتری ساعت رو درمی‌آرم تا زمان توی همون جایی که هستی، فعلا برات متوقف بشه! این جور مفیدتری برای کشور! فقط زیاد نخوابی که باید زود بیدار شی، بعدا لازمت داریم!»

من همیشه خواب می‌بینم یک ساعت سازم، ولی نه یک ساعت ساز عادی، بلکه می‌توانم زمان را جابه‌جا کنم! مشتریانم برای مشکلات خانوادگی، اقتصادی، سیاسی و... نزد من می‌آیند. فقط یک شرط داروان این است که حس کنم حق کسی ضایع نمی‌شود، دروغ نمی‌گویند و... در مجموع، خدا هم راضی است که یک فرصت دوباره به واسطه من به آن‌ها بدهد. در این صورت، زمان را برای آن‌ها به جلو یا عقب می‌برم! مثلاً دیروز یک مسئول آمده بود مغازه من. اول نشناختمش. با این لباس ندیده بودمش! پرسید: «ساعت چنده؟» گفتم: «به وقت کجا؟» گفت: «به وقت هر جا! این قدر ساعت اینجا به وقت‌های مختلف تنظیم شده که آدم گیج می‌شه!» «گفتم: «بستگی به نیتت داره!» گفت: «من، هم‌اینک نیت می‌کنم و تو نیز، تا فرصت باقی است، ساعت مچی و هوشمند ما را به تنظیمات کارخانه برگردان که اوضاع بد خیط است!» گفتم: «عادی هم می‌گفتی می‌فهمیدم! ضمناً خیلی عجله داری‌ها. اگه واقعا گیر باشی و خدا بخواد، من بنده‌ش ساعت رو تنظیم می‌کنم.» گفت: «جونم برات بگه که بنده در جهت تنویر افکار عمومی و تشویق اذهان خصوصی‌گفتم آقایون در یک جایی خیلی قلدرن و هر کاری می‌خوان می‌کنن. آقایون هم ورداشتن از ما شکایت کردن و دردرس شد. حالا یا



آمریکا یک زن را به ظن فعالیت جاسوسی بدون مجوز بازداشت کرد.

ویراستار وقتی دوستان توجه نمی‌کنن و توی ترجمه اصل خبر که دستگیری بدون مجوز بوده به جاسوسی بدون مجوز تغییر می‌کنه، نتیجش همین می‌شه دیگه. یک کارمند: اووه، مراحل اداری مجوز جاسوسی گرفتن خیلی زمان‌بره. الان هم که مسئولش نیست، این خانوم کارش حالا حالاها گیره. وزیر اقتصاد: بعد می‌کن بسته شدن تنگه هرمز بی تأثیره. این قدر پول کم آوردن که دارن از جاسوسا هم مالیات می‌گیرن. خانم شیرزاد: وا! خب شاید مثل ما منشی دکتر بوده، چون «بعضی» از ماها همچین یه کم بگی‌نگی باهوشیم و جاسوسی دوست داریم. یه فیلم جاسوسی هم دیدم. اسمش چی بود؟ خانوم افشار و آقای اسمیت؟ ثابتی: اینا حتی برای جاسوسا هم دنبال مجوزن. بعد ما اینجا خودروسازامون سالی پنج بار بدون مجوز، خودرو گرون می‌کنن! کاپیتان شهبازی: بنده با ۲۵ سال سابقه پرواز دور دنیا می‌گم به هیچ عنوان امکان نداره که به جاسوس مجوز بدن. هما سعادت: الان بچه‌ش بره مدرسه، توی فرم ثبت نام می‌نویسه شغل مادر جاسوسی؟ من عمرا بذارم بچه‌هام با این هم‌کلاسی بشن. مسعود لیسانس‌ها: آقا من فوق لیسانس هم گرفتم، همچنان کار نیست، روی مجوز جاسوسی وام هم می‌دن یا نه؟ اگه وام می‌دن که من هم مجوز بگیرم. رسایی: نمی‌دونم، مجوز رو باید از ظریف سؤال کنی. ظریف: تو مگه زندان نیستی؟ چطور می‌گویی داری؟ رسایی: ععه؟ فکر کردی برم این تو، ولت می‌کنم؟ می‌آی پیش خودم، نگران نباش.

ایجو، مگفتن



رئیس سازمان ثبت احوال:

۴۰ میلیون کارت ملی منقضی شده داریم که (طبق قانون طلایی «فعلا دستش نزن بدتر می‌شه») همچنان معتبر است!



معاون کاربردی سازمان ثبت احوال:

هزاران شناسنامه باطل شده متوفی داریم که خدایا میرزها هنوز دارند با آن‌ها از کلوپ، فیلم اکشن بدون سانسور کرایه می‌کنند و کاملاً معتبر است!

وزیر نیرو:

درست است که نصف تابستان برق ندارید و نصف زمستان گاز، اما این بند قبض دوره که در آن هزینه عوارض «توسعه شبکه انرژی کشور» آمده، کاملاً معتبر است!

رئیس شورای رقابت:

قیمت خودرو هنگام پیش‌فروش معتبر نیست، ولی مبلغ نجومی درخواستی از متقاضی زمان تحویل (وای که من عاشق نجومم)، فوق‌العاده معتبر است!

رئیس صداوسیما:

روزانه میلیون‌ها نفر، انعکاس خود را در صفحه خاموش تلویزیون می‌بینند، که محاسبه این عزیزان به عنوان مخاطبان دو آتشه و پای کار صداوسیما معتبر است!

مدیرعامل خودرو سازی:

سالانه ده‌ها هزار نفر در جاده‌ها قربانی می‌شوند، اما اینکه بگوییم علتش خودرو است، اصلاً معتبر نیست. تراکم پایین استخوان و ضعف بنیادین بدن خودشان معتبر است!

رکود بازار خودرو در گردها (خبر فارسی)

خودرو آتش ز!

باز هم چون ماه قبل و پارسال
باز طبق عادت و طبق روال
رفت بالا نرخ خودرو مثل جت
مثل نرخ سیب و موز و پرتقال
گر بپرسی هم چرا، گویند که:
چون که پایین آمده نرخ ریال
چون که بالا می‌خزد هر دم دلار
مثل ماری مودی و خوش خط و خال
این میان، مسئول بانک مرکزی
پس چرا باشد چنین آسوده حال؟
این چنین بی حرکت و بی دغدغه
این چنین ریلکس و شاد و بی خیال؟
می‌رود بالا چرا آخر دلار؟
سیم آن دارد به بالا اتصال؟
واقعا که صنعت خودرو ما
هست در دنیا جدید و بی مثال
واقعا باید به مسئولان آن
صبح و شب تقدیم گردد صد مدال
خودرویی که مثل فندک، مثل بمب
میل دارد به حریق و اشتعال
وای اگر در برق آن پیدا شود
اندکی نقصان و افتد اختلال
می‌شود تبدیل در یک ثانیه
خودرو صفت به یک جعبه زغال!
وای اگر با آن تصادف هم کنی
تکه تکه می‌شود مثل سفال
هیچ جنگی در تمام سال‌ها
این چنین کشته نداده تا به حال
«درد ما را نیست درمان الغیاث»
وای بر ما که زدیم آتش به مال!
خود مگر آخر به داد ما رسی
ای خداوند کریم و ذوالجلال

اندر احوالات
استانداردهای ما

فضای آموزشی



خودروسازی



ایمنی ساختمان



شهرسازی



خدمات درمانی



آلایندگی



شوخی



الهی!
از تو می‌خواهیم آن روز خوب را که به گفته وزیر اقتصاد، در آن تورم کم می‌شود و وضعیت تولید و ارز بهبود می‌یابد، در تقویم عمرمان قرار بدهی!

پلخمون

صاحب امتیاز: شهرام شیرزادی مشهد
مدیرمسئول و سردبیر: سیدمحمّد موسوی مهر
دبیر: شهاب: ارزنگ حاتم
دبیر پلخمون: مجتبی نغمی‌راد
مدیر هنری: سید هاشم دقیق
گرافیک و صفحه آرایی: ملک جمعی
ویراستاری: علیرضا میرزاد

پیمانه: ۳۰۰۷۲۸۹
دریافت نسخه الکترونیک از: shahrarnews.ir

شهرام شیرزادی روزنامه شهر آرا